خبر

تخریب آثار باستانی باغملک خوزستان

در حالی که به نظر برخی کارشناسان ارزش آثار باستانی کشور ما حتی به لحاظ اقتصادی بیش از ارزش منابع نفتی است اما همچنان این سرمایه ملی و تاریخی از سوی برخی مسوولان مربوطه و گروهی از مردم ما ناشناخته مانده و مورد بی‌توجهی قرار دارد. هر از چندگاهی خبر از تخریب این آثار یا غارت اشیای عتیقه کشف‌شده توسط عده‌ای سودجو ایران‌دوستان را نگران می‌کند. خبرگزاری میراث فرهنگی اخیراً گزارشی از تخریب آثار باستانی درمنطقه باغملک استان خوزستان داده است که جا دارد مسوولان مربوطه نسبت به آن اقدام عاجل به عمل آورند. به گفته این خبرگزاری محوطه‌های باستانی باغملک در استان خوزستان طی چند سال گذشته مورد هجوم حفاران غیرمجاز و کشاورزان قرار گرفته است و این اقدام در حالی ادامه دارد که هنوز گزارشی در این‌باره ارائه نشده و سازمان متولی حفاظت از میراث فرهنگی نیز اقدامی برای جلوگیری از ادامه تخریب‌های پیش‌رو انجام نداده است. به گزارش CHN باغملک از جمله شهرهای کهن ایران است که با نام «اوربه ایلامی» شناخته می‌شود. این شهر مرکز شهرستان باغملک است که در شرق استان خوزستان واقع شده و با شهرهای رامهرمز، ایذه و اهواز و همچنین استان‌های چهارمحال و بختیاری و کهگیلویه و بویراحمد هم‌مرز است. طی یک دهه اخیر از میان آثار تاریخی این شهر تنها چهار اثر به ثبت ملی رسیده و این در حالی است که هنوز هیچ بررسی و شناسایی، کاوش یا تعیین حریم در این شهر انجام نشده است. سرای ارغوانی (قلعه ارغوانی)، کوشک دالخونی، تپه امامزاده شاه رودبند، محوطه باستانی منجنیق، ارابه و تپه باستانی تل سبز، از جمله محوطه‌های تخریب شده در باغملک طی چند سال گذشته است که هنوز هم روند تخریبی آنها توسط حفاران غیرمجاز و کشاورزان ادامه دارد. سرای ارغوانی از جمله آثار مهم باغملک است که احتمالاً به دوره ساسانیان مربوط می‌شود. این سرا یا قلعه در میان زمین‌های کشاورزی محصور شده و به همین علت، کشاورزان برای ادامه کشت خود وارد عرصه آن شده‌اند. به گفته کارشناسان میراث فرهنگی، کشت نه‌تنها روی عرصه که وارد اتاق‌های این قلعه نیز شده است و از همه بدتر آنکه کشاورزان برای تغییر کشت خود، بخش‌هایی از این قلعه تاریخی را به آتش کشیده‌اند. همچنین عملیات کشت باعث تخریب دیوارهای سنگی این بنا شده است. به گفته خبرگزاری میراث، تخریب این بنا تنها توسط کشاورزان انجام نمی‌شود و به گفته دوستداران میراث فرهنگی حدود چند ماه قبل شخصی با لودر اقدام به خاکبرداری از تپه کرده بود. کوشک دالخونی یکی دیگر از محوطه‌های تخریب شده باغملک است. متهمان تخریب این بنای تاریخی حفاران غیرمجاز و قاچاقچیان اموال تاریخی هستند. حفره‌هایی به عمق دو متر و عرض یک متر نشان از حضور حفاران غیرمجاز در این کوشک ساسانی- اسلامی دارد. قاچاقچیان حتی داخل اتاق‌های کوشک را هم به دنبال آثار تاریخی گشتند و سوراخ کردند. اتاق‌های پنج متری این کوشک با مصالح گچ و سنگ

ساخته شده و در حالی که عمر زیادی از آن می‌گذرد اما هنوز پابرجا هستند. گفته می‌شود کوشک دالخونی برای امنیت بین‌راهی کاروان‌ها ساخته شده و به همین علت با قرار گرفتن محل آن در دشت، کاربری یک پاسگاه نظامی را داشته است. محوطه باستانی ارابه نیز یکی دیگر از قربانیان حجوم حفاران غیرمجاز است. حفره‌های ایجاد شده روی این محوطه با عمق یک متر و ۲۰ سانتی‌متر، طول یک متر و ۶۰ سانتی‌متر و عرض یک متر و ۷۰ سانتی‌متر از جمله نشانه‌های حضور قاچاقچیان اموال فرهنگی است. از بقایای کندن حفاران غیرمجاز، سفال‌های دوره ساسانی و اسلامی به جای مانده است. از سوی دیگر یکی از حفره‌های به وجود آمده در این محوطه به طول ۱۴ متر و عرض چهار متر و ارتفاع یک متر و ۴۰ سانتی‌متر باعث شده سنگ و گچ بنای مدفون در این محوطه به روی خاک آورده شود و باقی آن نیز به صورت نخاله به محلی در نزدیکی تپه برده شده است. با توجه به مشاهدات عینی و وجود دیوارهای بیرون آمده از خاک و سفال‌های پراکنده در اطراف محوطه باستانی ارابه، کارشناسان احتمال می‌دهند بنای تخریب شده به دوره ساسانی و اسلامی تعلق داشته باشد. تپه باستانی تل سبز باغملک نیز به دلیل حضور حفاران غیرمجاز تخریب شده است. چاله‌ای به عمق ۱۲ متر و طول یک متر و ۸۰ سانتی‌متر و عرض یک متر و ۴۰ سانتی‌متر نشان از آسایش خاطر حفاران در این محوطه باستانی دارد. این حفره بزرگ در زمستان سال ۱۳۸۸ ایجاد شده و گفته می‌شود حفاران همچنان به کار خود ادامه می‌دهند. تپه‌های امامزاده شاه رودبند هم بخش دیگری از پیشینه تاریخی باغملک محسوب می‌شود که مورد تعرض قرار گرفته است. البته متهم این تعرض یک مالک شخصی است که دور تا دور دیوارهای این تپه‌ها را حصار کشیده و قصد تسطیح آنها را دارد. اقدامات تازه او نشان از آغاز تسطیح این محوطه‌ها دارد. اما در کنار این تپه‌های باستانی، محوطه منجنیق واقع شده که قرار است یک جاده دسترسی از روی آن عبور کند. این جاده توسط مسکن مهر کشیده می‌شود و هم‌اکنون نیز لودرها بخش‌هایی از این محوطه را تسطیح کرده‌اند. به گفته کارشناسان میراث فرهنگی قرار است لودرها کمی هم در عمق محوطه نفوذ کنند که به دلیل وجود گورستان در زیر محوطه منجنیق، امکان تخریب آثار تاریخی دوچندان می‌شود. در این میان پرسش اصلی دوستداران میراث فرهنگی باغملک این است که چرا یگان پاسداران میراث فرهنگی با مشاهده حجم گسترده تخریب‌ها هنوز اقدامی جدی برای جلوگیری از این تخریب‌ها انجام نداده است؟ میراث خبر در پایان این گزارش اظهار کرده است: کمبود امکانات حفاظتی برای یگان پاسداران در تمام استان‌های کشور دیده می‌شود، اما بهتر است سازمان متولی حفاظت از میراث فرهنگی امکانات خود را به مناطق پرخطر میراث فرهنگی کشور ارسال کند تا مانع از تخریب‌های گسترده از قبیل آنچه در باغملک رخ می‌دهد شود.

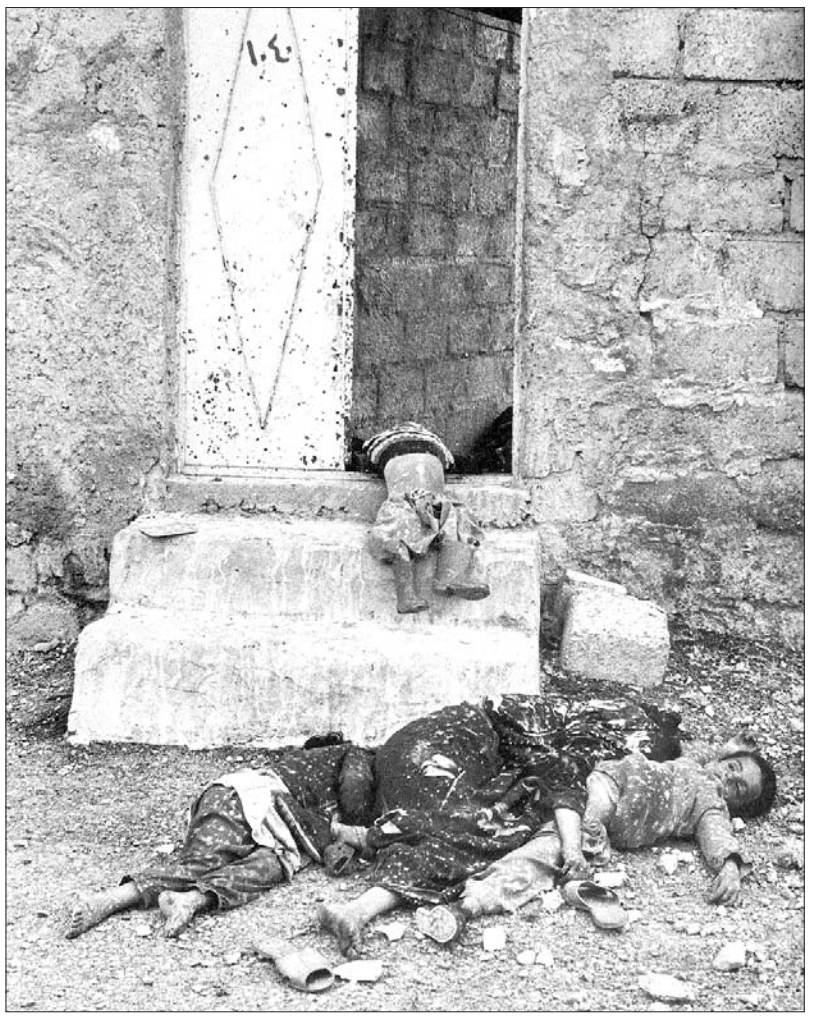

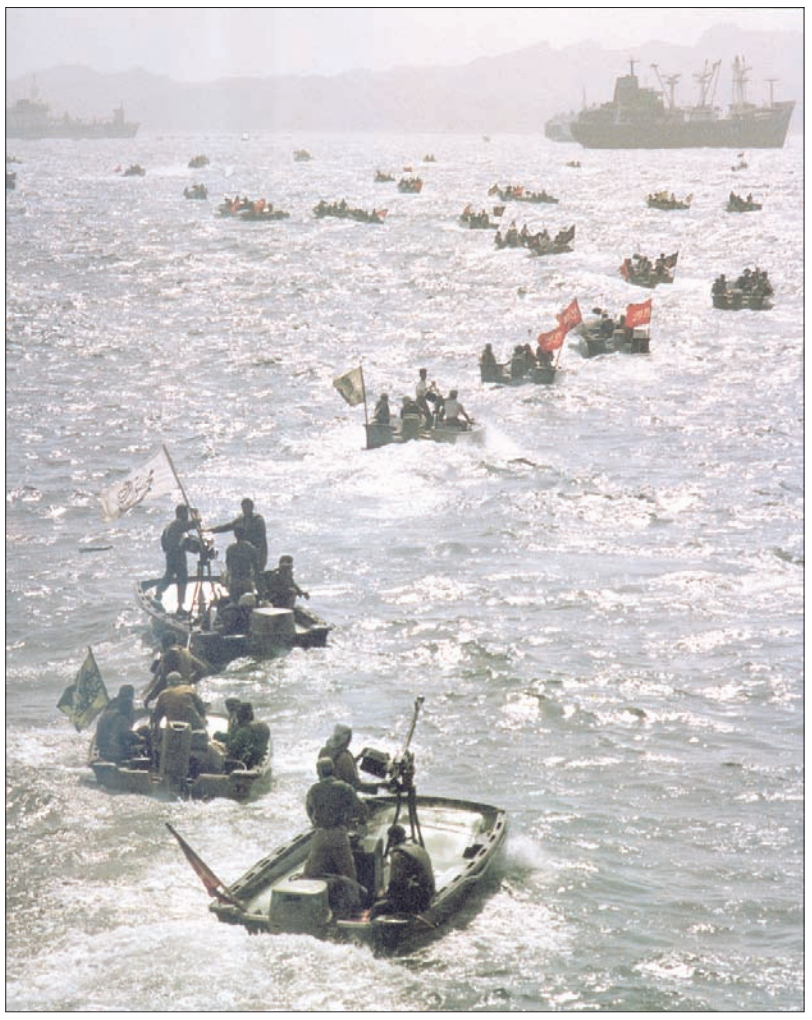

تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق

رویکردها و روش‌ها ـ بخش اول

محمد درودیان*

نادیده گرفتن پیوستگی جنگ و انقلاب سبب می‌شود تاریخ انقلاب به مبارزات قبل از انقلاب و سقوط شاه محدود شود و تاریخ جنگ به مسائل نظامی و تاثیرات فرهنگی - اجتماعی جنگ تقلیل یابد، حال آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی تاریخ جدیدی در ایران آغاز شد و با جنگ ادامه یافت و هنوز جریان دارد.

محمد درودیان را پژوهشگران و مورخان جنگ هشت‌ساله با کتاب‌ها و مقالاتش می‌شناسند. کتاب‌هایی که تاکنون چند بار چاپ شده و در میان آثار مربوط به جنگ درخشیده است. او که با یک رویکرد علمی و متدیک به مساله جنگ پرداخته و تلاش کرده است به عنوان یک ناظر بیرونی و با نگاهی آکادمیک به مساله بنگرد جمع‌بندی‌های قابل تاملی در این‌باره دارد. مقاله زیر گوشه‌ای از مطالعات اوست و زوایای خوبی برای علاقه‌مندان به این حوزه را باز می‌کند.

نقش انقلاب در جنگ

۱- نسبت تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق با تاریخ‌نگاری انقلاب اسلامی بر اساس پیوستگی جنگ با انقلاب قابل تعریف است. وقوع جنگ با حمله نظامی عراق به ایران مسیر انقلاب را تغییر داد. با وجود غافلگیری در برابر این تهاجم که تنها ۲۰ ماه پس از پیروزی انقلاب واقع شد، به دلیل پیامدهای انقلاب در جامعه ایران، تجاوز عراق تنها به اشغال برخی مناطق و شهرهای مرزی به مدت ۲۰ ماه محدود شد، در غیر این صورت، سرنوشت کشور بر اثر شکست نظامی احتمالی تغییر می‌کرد.

۲- تاثیر پیروزی انقلاب اسلامی در ایران در شکل‌گیری اجماع جهانی برای مهار انقلاب از طریق جنگ ساز و کارها و منطق تجاوز به ایران را شکل داد. ولی امام (ره) با جایگزینی جنگ به جای انقلاب، ضرورت دفاع مردمی را تشریح کرد و سامان داد. این امر منجر به شکست عراق و در عین حال موجب تداوم جنگ به مدت هشت سال شد.

۳- نادیده گرفتن پیوستگی جنگ و انقلاب سبب می‌شود تاریخ انقلاب به مبارزات قبل از انقلاب و سقوط شاه محدود شود و تاریخ جنگ به مسائل نظامی و تاثیرات فرهنگی -اجتماعی جنگ تقلیل یابد، حال آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی تاریخ جدیدی در ایران آغاز شد و با جنگ ادامه یافت و هنوز جریان دارد. بر اساس این ملاحظه، بسیاری از تحولات سیاسی -اجتماعی در جنگ و پس از جنگ، حتی پاسخ به پرسش‌ها و ابهامات موجود درباره مسائل جنگ، در چارچوب پیوستگی جنگ و انقلاب قابل توضیح و تبیین است.

رویکردها

طرح مساله برای بررسی تاریخ‌نگاری جنگ ایران و عراق، توجه به مبانی و چارچوب نظری با تاکید و تمرکز بر مساله «رویکردها»، از آن نظر ضروری به نظر می‌رسد که مساله رویکردها به منزله تلاش اولیه برای صورت‌بندی تجربیات سه دهه گذشته برای ثبت و ضبط رخدادهای جنگ و تاریخ‌نگاری آن است. به همین دلیل در پاره‌ای از موارد، مساله رویکردها ابهام‌برانگیز است و نیاز به تعریف دقیق‌تر از مفاهیم و همچنین انسجام بیشتر است که در آینده برای تحقق آن اقدام خواهد شد.

۱- نسبت واقعه با تاریخ‌نگاری

منطق حاکم بر استنباط «رویکردها» به عنوان نقطه ثقل تاریخ‌نگاری جنگ با بررسی و تامل در نسبت تاریخ‌نگاری یک واقعه با واقعه حاصل شده است. بر اساس این ملاحظه تاریخ‌نگاری یک واقعه تاریخی ناظر بر مفروض پنداشتن «تفکیک واقعه» از «تاریخ‌نگاری» آن و در عین حال پذیرش نسبت میان آنها است. توضیح یاد شده در درون خود موجب پیدایش این پرسش می‌شود که «نسبت میان واقعه و تاریخ‌نگاری آن چیست؟» پاسخ به این پرسش از این حیث اهمیت دارد که ساز و کارها و منطق شکل‌گیری تاریخ‌نگاری، یک واقعه بزرگ تاریخی را توضیح دهد.

۲- تعاریف

در این مقاله تعریف اجمالی و اولیه «تاریخ‌نگاری» به معنای صورت‌بندی و تدوین باورها، برداشت‌ها و اندیشه‌ها درباره یک واقعه است. در حالی که تعریف «واقعه» به معنای امر تحقق‌یافته و متعین شدن تغییرات و تحولات در زمان و مکان است که ریشه در درون انسان دارد و بر اساس قدرت و مشیت الهی شکل می‌گیرد. بر اساس این تعاریف، رویکردها به منزله باورها و اندیشه‌ها درباره واقعه است که اساس تاریخ‌نگاری را شکل می‌دهد.

۳- نقش باورها و آگاهی‌ها

تعامل میان اندیشه‌ها و باورها درباره واقعه و ماهیت و تاثیرات واقعه با ایجاد تغییر و تحولات جدید، فرآیندی را شکل می‌دهد که بسیار پیچیده و عمیق است. ادراک از تاریخی بودن وقایع بزرگ مانند انقلاب و جنگ، بر اساس خودآگاهی تاریخی صورت می‌گیرد. به این معنا که آگاهی‌های تاریخی، در درک و تحلیل علائم وقوع رخدادهای جدید به معنای پایان یک دوره و آغاز دوره جدید، نقش اساسی دارد.

۴- پیش‌زمینه‌های معرفت تاریخی

شأن و جایگاه تاریخی وقایع بزرگ را مورخ یا دیگران تعریف و تعیین نمی‌کنند، بلکه پیدایش دگرگونی و تغییرات بزرگ در زمینه‌ها و ابعاد مختلف به منزله ظهور آغاز دوره جدید است که ظهور مورخان و شکل‌گیری تاریخ‌نگاری، بخشی از همین فرآیند است. به این شکل که پس از ظهور واقعه تاریخی و ادراک آن بر اساس یک خودآگاهی تاریخی، با ظهور آگاهی‌های جدید پیوستگی میان واقعه با ادراک از واقعه و عمل در برابر آن شکل می‌گیرد. در این روند رویکردها، حاصل ادراک، احساس و تجربه نسبت به وقوع رخدادها و حوادث است که موجب پیدایش فهم از واقعه و شکل‌گیری کنش‌های ذهنی - رفتاری می‌شود. رویکردها بیانگر نگرش‌ها و ناظر بر توضیح منطق و ماهیت عمل تاریخی و بخشی از واقعه است که در یک فرآیند پیچیده منجر به شکل‌گیری تفکر و نگرش تاریخی و منتج به تاریخ‌نگاری واقعه می‌شود. در عین حال رویکردها بیانگر ظرفیت و توانایی شناخت و فهم موضوعات و مسائل است.

۵- دوره‌های تاریخی

نگارش تاریخ وقایع بزرگ در زمان وقوع و دوره پس از واقعه، به لحاظ شکل‌گیری رویکردها و روش‌ها و طرح مسائل و موضوعات متفاوت است. این توضیح بر اساس این فرض طرح شده است که وقوع رخدادهای تاریخی، بیانگر ظهور دوره‌های تاریخی است که با زمینه‌ها و مقدماتی شکل می‌گیرد و پس از اوج‌گیری تدریجاً فروکش می‌کند. منطق حاکم بر کلیه کنش‌ها و واکنش‌های ذهنی و رفتاری در دوره‌های تاریخی، متاثر از روح و مشخصه‌های آن دوره تاریخی است. در نتیجه نگرش‌ها و موضوعات و روش‌ها در هر دوره، متاثر از شرایط آن دوره تاریخی شکل می‌گیرد و سپس تغییر می‌کند. در واقع رویکردها به معنای توانایی و ظرفیت شناخت موضوعات و مسائل است که با تغییر دوره‌های تاریخی دستخوش دگرگونی می‌شود. در این روند بازبینی یک دوره تاریخی به منزله آغاز دوره دوم تاریخ‌نگاری است که با اتمام آن دوره امکان‌پذیر و آغاز می‌شود.

۶- جنگ، یک هویت یا رویداد

تمایز دوره اول تاریخ‌نگاری با دوره پس از آن، احتمالاً به این دلیل واقع می‌شود که در هر دوره تاریخی نگرش و رفتار شاهدان، ناظران و عاملان، صبغه هویتی دارد، لذا میان نگرش‌ها و رفتارهای فردی و اجتماعی نوعی پیوستگی و یگانگی ایجاد می‌شود و یک کلیت واحد را شکل می‌دهد. در حالی که با اتمام دوره تاریخی غلبه آن بر وجوهات زندگی جوامع انسانی فروکش می‌کند و تدریجاً نوعی گسست آغاز می‌شود. تجزیه واقعه تاریخی از یک کلیت واحد و منسجم به موضوعات و مسائل مناقشه‌آمیز و تاکید بر «نقش‌ها» برای «سهم‌خواهی»، بیانگر آغاز دوره دوم تاریخ‌نگاری است که به صورت تدریجی شکل می‌گیرد. مساله قابل توجه این است که در زمان واقعه، اهتمام به «شأن» تاریخی واقعه و تلاش برای جلوگیری از تحریف آن با ثبت واقعه و نگارش اولیه به روش مستند، یادداشت‌نویسی روزانه، خاطره‌گویی یا خاطره‌نویسی بر اساس «نگاه به آینده» انجام می‌شود زیرا زمانی که واقعه جریان دارد، هنوز مفهوم «گذشته» شکل نگرفته است و با اتمام دوره تاریخی و «تاریخی شدن واقعه»، مفهوم گذشته و تاریخ‌نگاری گذشته شکل می‌گیرد.

۷- ویژگی‌های گذار

وجه اشتراک دوره تاریخی و دوره پس از آن، تمرکز بر «واقعه» است. با این تفاوت که در دوره تاریخی رویکردها و مجموعه کنش و واکنش‌ها در ذیل دوره تاریخی معنا دارد، ولی پس از دوره تاریخی یکپارچگی و کلیت حاکم بر این دوره مورد بازبینی و شناسایی مجدد قرار می‌گیرد. به این شکل که با فروکش کردن تدریجی غلبه دوره تاریخی و آشکار شدن علائم اتمام یک دوره و آغاز دوره جدید، نوعی تلاش برای «بازبینی عمل» با تجزیه و تحلیل و نقد باورها و ادراکات از سوی شاهدان، ناظران و عاملان صورت می‌گیرد و نتیجه آن ظهور برداشت‌ها و تفاسیر جدید از واقعه تاریخی است. در حالی که با اتمام دوره تاریخی «بازآفرینی واقعه» با عبور از ذهنیت‌ها و برداشت‌ها با نقد مفروضات و مسلمات و به چالش گرفتن گزاره‌های سیاسی - تبلیغاتی شروع می‌شود. به عبارت دیگر «بازبینی عمل» برای دستیابی به مفاهیم و باورهای جدید و «بازآفرینی واقعه» با عبور از مفاهیم، ذهنیت‌ها و گزاره‌های سیاسی - تبلیغاتی با هدف رجوع مجدد به اصل وقایع و فهم صحیح از آن صورت می‌گیرد. به عنوان مثال با حمله عراق اصل دفاع مساله اصلی بود ولی با فروکش کردن التهاب اولیه جنگ، تدریجاً عوامل موثر در وقوع و اینکه چه کسانی مقصر هستند مورد توجه قرار گرفت. با اینکه در ابتدا مساله تجاوز عراق از حیث سیاسی - حقوقی و علت آن موضوع تحقیق و بررسی بود ولی با اعلام عراق به عنوان متجاوز و سقوط و اعدام صدام موضوعات دیگری از جمله امکان بازدارندگی یا علت تصمیم‌گیری صدام و غیره مورد توجه واقع شده است.

شکل‌گیری رویکردهای سه‌گانه به جنگ

نگرش تاریخی به جنگ در دوره جدید که با انقلاب آغاز شد و با جنگ ادامه یافت، متاثر از ماهیت و اهداف جنگ و وجوه سه‌گانه آن، زمینه تاریخ‌نگاری جنگ را در ذیل رویکردها فراهم کرده است.

مفهوم جنگ در ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی بر اثر تجاوز عراق به ایران، بر پایه دو مولفه «تجاوز و دفاع» شکل گرفت و بسط و گسترش یافت. به این شکل که «وجه نظامی» جنگ با تجاوز عراق به ایران در تاریخ ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شکل گرفت بدون آنکه هیچ گونه ادراکی از آن وجود داشته باشد.«وجه سیاسی» جنگ با تفسیر جنگ در چارچوب انقلاب با تاکید بر وجود اجماع جهانی و منطقه‌ای علیه انقلاب در حمایت از تجاوز صدام به ایران صورت گرفت و تا پایان جنگ مفهوم حمایت از متجاوز در حال توسعه بود.

«وجه فرهنگی- اجتماعی» جنگ در ادامه تحول اجتماعی که با انقلاب حاصل شده بود در ذیل اهداف سیاسی و نظامی جنگ و ضرورت دفاع از موجودیت و هویت برآمده از انقلاب، منجر به شکل‌گیری دفاع مردمی شد. تاکید بر ماهیت دفاعی جنگ، کلیه وجوه سه‌گانه جنگ را در پیوند با یکدیگر و در ذیل مفهوم تجاوز و دفاع حفظ و نهادینه کرده است. شکل‌گیری رویکردهای سه‌گانه درباره جنگ ایران و عراق در واقع ناظر بر نحوه نگرش به جنگ و حاصل ادراک تجربی از مساله جنگ است که با واقعه و در درون آن تکوین و گسترش یافته و منجر به شکل‌گیری نظام معرفتی برای فهم و ادراک از جنگ شده است.

آنچه هم‌اکنون تحت عنوان تاریخ جنگ یا تاثیرات تاریخی جنگ بیان می‌شود، حاصل همین تحول و تعامل حاصل از واقعه انقلاب و جنگ و تجربه جامعه ایران از جنگ، در زمان جنگ است. رویکردها گرچه وجه ذهنی و نظری دارد ولی حاصل تجربه و تعامل با واقعه است به همین دلیل آمیخته با عمل تاریخی جامعه ایران است. این مساله رویکردها را با عمل متحد و یگانه می‌سازد و در عین حال در شرایط کنونی، شناخت سایر ابعاد واقعه جنگ را دشوار می‌کند. به عبارت دیگر ظرفیت‌های کنونی فهم جنگ به دلیل تجربیات خاص جامعه ایران از جنگ و سایر ملاحظات سیاسی - تبلیغاتی به نظام معرفتی خاصی از جنگ محدود شده است. «بازبینی عمل» با نقد و بررسی اهداف و نتایج آن در واقع نوعی تلاش برای ایجاد ظرفیت‌های جدید معرفتی از جنگ است که هنوز به نتیجه نرسیده است.

* نویسنده و پژوهشگر جنگ

نکته

چرا از گذشته درس نمی‌گیریم

ثبت رویدادها و مستندسازی

محمدحسین وحدت

این سوال تازه‌ای نیست. در نوشته‌های گوناگون بارها و بارها این سوال مطرح و پیرامون آن مطالب و دلایلی ذکر شده است. و باز هم زندگی ما به همان روال قبل ادامه پیدا کرده است و همچنان از گذشته درس نمی‌گیریم، نه در پهنه سیاسی کشور و نه در سطح سازمان‌ها و موسسه‌ها.

۱- همه ما کم و بیش این تجربه را در مورد تعدادی از آشنایان و نزدیکان داریم که آنها پس از بازگشت از سفر به کشورهای پیشرفته صنعتی و حتی کشورهایی نظیر مالزی و سنگاپور و امارات از پیشرفت‌های سریع و نظم این کشورها داد سخن داده و از این بابت اظهار شگفتی و تعجب می‌کنند. جالب است که هر چند بار که با این افراد پس از برگشت از سفر مواجه می‌شویم، همان سخنان و اظهار تعجب کلیشه‌ای را تکرار می‌کنند. و این اظهارات مختص قشر و طبقه خاصی نیست، آن را در همه اقشار اعم از بی‌سواد و کم‌سواد و تحصیلکرده به رای‌العین می‌بینیم. جالب است که بخش مهمی از این اقشار نیمه‌مرفه و مرفه مصرف تحصیل کرده که به برکت توسعه منابع نفت و رانت از رشد قابل ملاحظه‌ای نیز برخوردار شده‌اند، ضمن اظهار بیزاری از سیاست، نخواندن روزنامه و گوش نکردن به اخبار را از افتخارات زندگی خود تلقی می‌کنند. تیراژ تامل‌برانگیز نشریات کشور در شکوفاترین دوران خود و رشد فزاینده بشقاب‌های رو به هوا گواهی بر این مدعاست.

۲- قبل از انقلاب در موسسه‌ای کار می‌کردم که روش‌ها و رویه‌های مربوط به عملیات اصلی آن برگرفته از استانداردها و الگوهای سازمان‌های جهانی از جمله یونیدو بود. در آغاز به کار این قبیل موسسه‌ها تعدادی از کارشناسان برای گذراندن دوره‌های لازم به خارج از کشور می‌رفتند و همچنین تعدادی از کارشناسان خارجی تحت عنوان مشاور در سازمان حضور می‌داشتند تا بر اجرای کار در چارچوب مورد نظر نظارت کنند. به علاوه هر ساله تعدادی از کارشناسان برای حضور در دوره‌های مورد نیاز به خارج اعزام می‌شدند یا با دعوت از اساتید خارجی و برگزاری دوره‌ها در داخل کشور امکان حضور تعداد بیشتری از کارشناسان در این دوره‌ها فراهم می‌شد. به این ترتیب دانش این قبیل سازمان‌ها در حوزه تخصصی خود و تا سطح محدودی به‌روز می‌شد. شاید بتوان این سطح محدود را سطح اپراتوری و اطاعت کورکورانه از رویه‌هایی دانست که توسط خارجی‌ها به ما آموزش داده می‌شد. کارشناسان جدید با حضور در این دوره‌ها به طور نظری با رویه‌های کاری آشنا می‌شدند و پس از چند ماه کارآموزی زیر نظر کارشناسان باتجربه‌تر به صورت

عملی نیز کار را فرامی‌گرفتند. نکته حائز توجه آن است که این رویه‌ها به طور معمول مستند نمی‌شد، به‌رغم اینکه به طور عملی رویه‌های نامستند به‌روز می‌شد! لازم به یادآوری است که فقدان رویه‌های مستند زمینه‌های بروز برخی تخلفات و مشکلاتی را قبل و بعد از انقلاب فراهم کرده است.

۳- بعد از انقلاب ارتباط این موسسه‌ها با سازمان‌های جهانی تقریباً قطع شد. و از آنجا که در فرآیند انجام کار خواه‌ناخواه تغییرات و اصلاحاتی در رویه‌ها ضرورت پیدا می‌کند و با عنایت به فقدان رویه‌های مستند و به طور کلی فقدان استاندارد برای استانداردسازی، رویه‌های عملیاتی در معرض تغییرات ناهماهنگ در رده‌های کارشناسی و مدیریتی قرار گرفت. در موارد مهمی نیز اصلاحات لازم در آنها صورت نگرفت یا اصلاحات به عمل آمده جوابگوی نیازها نبود چراکه همان‌طور که در بالا گفته شد، کاربرد رویه‌ها توسط ما در مواردی، بدون فکر و اندیشه بود و اصلاً ما در خصوص چرایی و منطق کار این رویه‌ها فکر نمی‌کردیم.

شاید بعضی‌ها خرده بگیرند که ژاپن و کره نیز کارشان را با تقلید و کپی‌سازی شروع کردند که به درستی چنین است اما آنها به همین حداقل اکتفا نکردند. کافی است نگاهی حتی سطحی و نه با تکیه بر آمار و ارقام به روند توسعه آنها بیندازیم.

۴- جالب‌تر آنکه وقتی پیشنهاد استانداردسازی بنا به همان ضرورت‌های گفته شده مطرح شد زیرآب کار توسط شماری از مجرب‌ترین کارشناسان زده شد! کارشناسانی که به لحاظ دانش و تخصص سرآمد بودند. تدوین استانداردها و رویه‌ها به مدت نزدیک به دو دهه محاق رفت. از اواخر دهه ۱۳۷۰ که زمینه مناسب برای این قبیل کارها فراهم شد این بار نوبت تعدادی از کارشناسان جوان بود که نقش کاتولیک‌تر از پاپ را ایفا و از روش‌های نامستند منسوخ‌شده چند دهه قبل دفاع کنند. آنان از هر گونه همکاری در اصلاح و مستند کردن رویه‌ها دریغ کردند. این قبیل کارشناسان جوان ضرورتی برای اصلاحات و تغییرات قائل نبودند.

۵- چند سال قبل در سایت فیدیک (فدراسیون بین‌المللی مهندسین مشاور) از بابت اصلاحات به عمل آمده در فرمت یکی از قراردادها از تعداد زیادی کارشناس و متخصص قدردانی شده بود. آنان طی چندین سال، وقت بی‌ارزش خود را صرف ارائه پیشنهاد برای اصلاح چند بند ناقابل در فرمت قرارداد کرده بودند!

۶- می‌گفت آنکه از تجربه پند نگیرد، نابالغ است.